DOI: Https://doi.org/10.22067/jls.2022.73540.1199

نشریۀ علمی جستارهای نوین ادبی، شمارۀ ۲۱۷، تابستان ۱۴۰۱، صص ۲۷-۴۷
مقالۀ پژوهشی

با اسکن تصویر، می‌توانید این مقاله را در تارنمای مجله مشاهده نمایید. ←

جستار و طبقه‌بندی آن به‌مثابۀ ژانر

تاریخ دریافت: ۱۸ آبان ۱۴۰۰ / تاریخ پذیرش: ۱۵ شهریور ۱۴۰۱

صدیقه شریف‌زاده (نارویی)[۱]

قدسیّه رضوانیان[۲]

چکیده

جستار گونۀ نوشتاری برآمده از دنیای جدید و مناسبات روزگار مدرن است که می‌توان آن را در جایگاه ژانری مستقل بررسی کرد. خاستگاه این نوع، به دوره رنسانس و توجه به فردیت انسان اندیشمند بازمی‌گردد. نظر به این که جستار با برخی گونه‌های دیگر، نزدیکی و خویشاوندی داشته، سبب شده که بدون توجه به فرم و چیستی آن، با ژانرهای مرسوم و هم‌خانوادۀ خود نام‌گذاری شود. در این مقاله پس از مروری بر جستارنویسی در غرب، به مسأله فرم در جستار، نثر آن و ارتباط آن با ساختارهای دنیای جدید توجه شده و با مطالعه گونه‌های خویشاوند این نوع نوشتار و تجزیه‌وتحلیل شکلی و کیفی جستار، انواع آن، ذیل دو عنوان کلی جستار شخصی و جستار رسمی با زیرعنوان‌هایی دسته‌بندی شده و به نسبت جستار با گونه‌های مشابه آن پرداخته شده است. درنهایت برای نزدیک شدن به تعریفی از جستار، با مطالعۀ جستارهای متنوع، مؤلفه‌هایی به‌عنوان ویژگی‌های نسبی مشترک این گونه؛ همچون: نثربودگی، خودنگاری، انعطاف‌پذیری، تعمیم‌یابندگی، خودآیینی، ادبیت ساده، اندیشه‌ورزی و متأملانه بودن، استخراج شده است.

کلیدواژه‌ها: جستار، ژانر، مدرنیته، سوژه، فرم.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران، ایران. E-mail: Sediqe.n.62@gmail.com

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران، ایران. (نویسندۀ مسئول) E-mail: Ghrezvan@umz.ac.ir

۱- مقدّمه

نام‌گذاری انواع ادبی، بعد از پیدایش و خلق آثاری که با یکدیگر شباهت دارند و در یک رده می‌گنجند، در موقعیتی ثانویه صورت می‌گیرد. در ادبیات فارسی گاه نام‌گذاری‌های گوناگون بر یک اثر، از روی تسامح و به علت عدم طبقه‌بندی و ناشناخته بودن گونهٔ نوشتاری و گاه با توجه به موضوعِ اثر و بدون توجه به فرم و ساختار آن صورت گرفته است، چنین رفتاری با ژانر، در مورد جستار نیز مشاهده می‌شود؛ چه‌بسا متونی که به‌دلیل ناآشنا بودن نویسندگان و پژوهشگران با این فرم نوشتار، به تسامح، نام دیگری یافته‌اند؛ ازاین‌رو جستار با گونه‌های خویشاوندش که در برخی ویژگی‌ها با هم مشترک بوده‌اند، نام‌گذاری شده است.

ازآنجاکه جستار در تعریف و فرم سیّال است و تابع فرمی از پیش تعیین‌شده نیست، می‌توان گفت اصلی‌ترین عنصر در آن، خلاقیّت نوشتار است. تعدد مضامین و فرم لغزان جستار این پرسش‌ها را پیش می‌کشد که چگونه می‌توان آن را طبقه‌بندی و نظام‌مند کرد؟ ویژگی‌های جستار چیست و زیرنوع‌های آن کدامند؟ نسبت جستار با انواع مشابه آن چیست؟

برای دستیابی به تعریف و طبقه‌بندی جستار باید ابتدا به بیان ذات و ماهیّت آن پرداخت و با توجه به ویژگی‌های این نوع، آن را از دیگر گونه‌های هم‌خانواده و نزدیک به آن تا حدی متمایز کرد. «بخش مهمی از تاریخ جستارنویسی در باب چیستیِ فرم جستار است، زیرا جستارنویسی تقلید یا مضحکهٔ فرم نیست، زاییدهٔ روح مدرن و تجربهٔ انسان مدرن و استقرار فردیّت مدرن است»(دومونتنی، ۱۳۹۵: ۹،۱۰) که نویسنده به‌وسیلهٔ آن، جهانی درونی‌شده را با خواننده در میان می‌گذارد.

جستار، نوعی نوشتن در مورد خود و اندیشیدن در مورد جهانی است که این "خود" بخشی از آن است؛ نوشتاری که در فرم‌ها، سبک‌ها و درون‌مایه‌های مختلف گسترش می‌یابد؛ درون‌مایه‌ای از اتوبیوگرافی تا رویکرد متأملانه به زندگی و تا نقد که جستارنویس، مبتنی بر دیدگاه‌های خویش می‌نگارد. ماهیّت جستار، همچون شعر، داستان و دیگر ژانرهای تثبیت شده، روشن نیست و به گفته آدورنو «فرم جستار هنوز مسیر استقلالی را که خواهرش، شعر، مدت‌ها قبل طی کرده، نپیموده است»(۱۹۸۴: ۱۵۱) تا آنجا که در کتاب نظریه ژانر نیز از آن به‌عنوان مقاله غیر رسمی[1] یاد شده است (زرقانی و قربان صباغ، ۱۳۹۵: ۲۴۱). جستار در ترکیبی از فلسفه، اخلاق و هنر معنا می‌یابد و در عین حال که وابسته به این مفاهیم است و آنها را درون خود پرورش می‌دهد، فارغ و آزاد از قرار گرفتن تحت لوای موضوع و محتوایی

1. familiar essay

خاص است؛ زیرا منشأ و سرچشمه آن از آزادی فکر و اندیشهٔ نویسنده قوام می‌یابد و هر تعریفی که برایش آورده می‌شود، به معنای قرار دادن آن تحت قالب و محتوایی ثابت نیست. آنچه منجر به اهمیت جستار و توجه به این نوع ادبی در نسبت با ژانرها و فرم‌های نوشتاری مشابه آن می‌شود انعکاس جهان‌بینی و تجربیّات فرد در جامعه‌ای آزاد و مدرن است؛ نویسندهٔ جستار در جایگاه فردی صاحب‌اندیشه، در قالب فرمی متناسب با دنیای نوین، به خلق معناها و بیان اندیشهٔ خود دست می‌یازد. ازآنجاکه جستار در جایگاه ژانری جدید، در فضای آکادمیک ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است، نیاز به طبقه‌بندی و تدوین آن مورد اهمیت قرار می‌گیرد.

۲- پیشینه پژوهش

جستارنویسی در غرب قدمتی طولانی دارد؛ کتاب‌ها و مقالاتی دربارهٔ چیستی و تقسیم‌بندی جستار نوشته شده است و آثار بسیاری در این ژانر خلق شده است. نویسنده‌هایی چون گی تالیس، تام وولف در کتاب «ژورنالیسم نو»، تئودور آدورنو در مقاله essay as form، جرج لوکاچ در کتاب جان و صورت به تعاریف و چیستی essay پرداخته‌اند. همچنین چندین کتاب در زمینه آشنایی با جستار و فرم آن نوشته شده که راهنمای نویسندگان و پژوهشگران تواند بود.

پژوهش‌های داخلی در زمینهٔ جستار عموماً توسط کسانی بوده که آگاهانه در این ژانر نوشته‌اند و به تعاریف و چیستی آن پرداخته‌اند؛ ازجمله می‌توان به کتاب‌ها، مقالات و سخنرانی‌های زیر اشاره کرد:

کتاب دفترچه خاطرات و فراموشی، محمد قائد (۱۳۸۸). متن سخنرانی یوسف اسحاق‌پور در بزرگداشت شاهرخ مسکوب که در مجله بخارا(۱۳۸۴) به چاپ رسیده است. مقاله شاهرخ مسکوب در یادنامه جلال آل احمد (دهباشی، ۱۳۷۸)، پیش‌درآمد کتاب تفکر در تنگنا، محمدعلی مرادی (۱۳۹۷)، سخنرانی بابک احمدی (۱۳۹۸) با عنوان سویه‌های جستار در مؤسسه خوانش و سخنرانی شمیم مستقیمی و مهدی یزدانی خرم (۱۳۹۵) در رونمایی کتاب درهای نیمه‌باز، مؤسسه بهاران، با موضوع جستار و جستارنویسی برگزار شده است؛ همچنین کتاب هفته در شماره‌های (۱۸۲، ۱۷۷، ۱۴۵، ۱۳۷) به تعاریف جستار پرداخته و جستارنویسان غربی و ایرانی را به خوانندگان معرفی کرده است.

۳- ژانر

تعریف ژانر، به جهت نسبی بودن و سیّالیتش دشوار است؛ «ژانر مفهومی انتزاعی و متغیر است و تن به تعریف ثابت نمی‌دهد»(زرقانی، صباغ، ۱۳۹۵: ۲۸۵). ژانر نوعی دعوت به آگاهی نظام‌یافته نسبت به زوایای یک متن و اثر است

که به ذهن خواننده و پژوهشگر نظام می‌بخشد. «تودوروف، با رویکردی زبان‌شناسانه، خاستگاه ژانرها را کنش‌های کلامی می‌داند که برخی از آن‌ها در ژانر ادبی به‌عنوان «صورت ثانویه» رده‌بندی می‌شوند. در نظر او، کارکرد اصلی ژانرها عبارت است از «رمزگذاری گفتمان‌های موجود در یک جامعه». تفاوت ژانرهای ادبی در این است که هر کدام به شیوه خودشان این کار را می‌کنند. در برخی ژانرها مثل "دعا" بین صورت اولیه (تعریف کنش کلامی) و صورت ثانویه آن تفاوت زیادی وجود ندارد اما در ژانری مثل رمان، شیوه رمزگذاری گفتمان‌ها بسیار متفاوت از شیوه رمزگذاری صورت اولیه آن، یعنی کنش کلامی تعریف کردن است»(همان: ۲۹۸).

طبقه‌بندی متون، نوعی ابزار برای درک بهتر و تفسیر متن است؛ به شرطی که در جایگاهی تجویزی قرار نگیرد و حامل قوانین ساختگی و محدودیت‌ساز نگردد که به رابطهٔ خواننده با متن خدشه وارد کند. ژاک دریدا در مقاله قانون ژانر می‌گوید: «هر متنی در یک یا چند ژانر مشارکت دارد و متن بی ژانر وجود ندارد و همیشه ژانر و ژانرهایی هستند؛ اما این مشارکت هرگز به معنای صرفِ "تعلق داشتن"»(قائمی و سجودی، ۱۳۹۷: ۱۰۱) به دستهٔ خاصی از متون نیست.

در تحلیل و طبقه‌بندی ژانر سرشت متن و مشارکت و مکالمه آن در رابطه با متون همنوع آن مورد توجه است.

۴- چهره‌های شاخص جستارنویسی در غرب و ایران

هولمن، میشل دومونتنی، فیلسوف فرانسوی دورهٔ رنسانس، را خالق جستارنویسی می‌داند. «با انتشار مقالات دومونتنی، نویسنده فرانسوی در سال ۱۵۸۰ نوع جدیدی از نوشتار ارائه شد. قالبی که در آن سبک و ساخت به‌اندازهٔ محتوای اثر اهمیت داشت»(قائد، ۱۳۸۸: ۲۳). جستار را می‌توان در نوشته‌های فرانسیس بیکن نیز جستجو کرد؛ شخصی که از او به‌عنوان بنیانگذار فلسفه علم یاد می‌شود: «بیکن، اولین جستارنویس انگلیسی بعد از دومونتنی (فیلسوف فرانسوی) بود [...] که در سال ۱۹۵۷ اولین مجموعه جستارهای موجزش را نوشت» (Holman,2003: 193). فرم جستار، بعد از دومونتنی و بیکن تجربه‌های نوینی را پشت سر گذاشته است. از جستارنویسان مطرح غربی که در ایران به‌واسطه ترجمه شناخته شده‌اند می‌توان مایستر اکارت، دیدرو و بودلر را نام برد؛ که وقتی از هنر صحبت می‌کنند در جایگاه جستارنویس قرار می‌گیرند. همچنین از نیچه در کتاب تولد تراژدی، لوکاچ، والتر بنیامین، موریس بلانشو و هرمان بروخ می‌توان به‌عنوان جستارنویس یاد کرد (اسحاق‌پور، ۱۳۹۹: ۳۰). نویسندگان و فیلسوفان دیگری نیز فرم جستار را در نوشتارشان تجربه کرده‌اند؛ ازجمله ادگار آلن‌پو، ویرجینیا وولف، ناتالیا گینزبورگ، تئودور آدورنو (که جستار را فرمی از نوشتار در روزگار مدرن می‌داند)، جورجیو آگامبن، رولان بارت، سوزان سانتاگ، فیلیپ لوپت،

آلدوس هاکسلی و بسیاری کسان دیگر.

نویسندگانی که در ایران به جستارنویسی روی آورده‌اند، اگرچه گاه از فرم نوشتار خود آگاه نبوده‌اند، ولی متن آن‌ها به ژانر جستار نزدیک است و در طبقه‌بندی جستار قرار می‌گیرد. ازجمله کسانی که در ادبیات می‌توان از آن‌ها در جایگاه جستارنویس نام برد:

عبدالحسین زرین‌کوب، علی شریعتی، علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، غلامحسین یوسفی، محمدعلی اسلامی ندوشن، نیمایوشیج، جلال آل احمد، رضا براهنی، شاهرخ مسکوب، حسن کامشاد، داریوش شایگان، محمد قائد، احمد اخوت، نجف دریابندری، نادر میرزا قاجار، فرشته مولوی، بابک احمدی، رضا فرخفال، قاسم هاشمی‌نژاد، کامران فانی، شمیم مستقیمی، محمد طلوعی، سایه اقتصادی‌نیا، معین فرخی و ....

برای تبیین وضعیت جستارنویسی در ایران در ابتدا «می‌بایست بیش و پیش از هر چیز به شکل‌گیری علوم در دوران جدید توجه کنیم، چراکه در این روند ایده‌آلی تازه»(مرادی، ۱۳۹۷: ۱۳) و نگاهی نو در شناخت انسان ایرانی نسبت به خود، دیگری و محیط اطراف اتفاق می‌افتد. تجربهٔ نوشتاری در چنین موقعیتی، گرایش نویسنده را به‌سوی نوشتاری تجربی «متکی به اصول روشن و شفاف»(همان: ۱۴) و بر پایهٔ تفکر فردی سوق می‌دهد که تشخصی ویژه دارد. جستارنویسی در ایران بنا به نوع گفتمان اجتماعی، زیست و نحوهٔ تفکر انسان ایرانی بسیار دیر مورد توجه قرار گرفت. برای بررسی زمینه‌های جستارنویسی در ایران می‌بایست از دوره قاجار و شکل‌گیری نهضت مشروطه آغاز به تحقیق کرد.

۵- تعاریف و چیستی جستار

«essay نثری نسبتاً مختصر دربارهٔ موضوعی محدود است، که به دو نوع رسمی و غیر رسمی تقسیم می‌شود» (Holman:2003: 193). داریوش آشوری در کتاب فرهنگ علوم انسانی، دو واژهٔ رساله و جستاره را به‌عنوان برابرنهاد کلمهٔ Essay آورده و برای Essayist نیز از رساله‌نویس و جستاره‌نویس استفاده کرده است (۱۳۷۴: ذیلِ essay,essayist). گویا آشوری اولین کسی است که این برابرنهاد را در زبان فارسی وضع کرده و در حال حاضر essay به همین معنی کاربرد دارد.

جستار بر برداشت‌های شخصی، احساسات و تأملات نویسنده، حول یک ایده و موضوع خاص دلالت دارد؛ می‌توان گفت جستار علم شناخت اندیشه‌های خود و در میان گذاشتن آن با دیگری است. اگرچه جستار با تجربه‌های فرمی در متن، همساز است، اما آن را با هیچ فرم نوشتاری دیگری نمی‌توان نام‌گذاری و تعریف کرد، گاه جستار را

"قطعهٔ کوتاه غیر داستانی" تعریف می‌کنند، حال آن‌که هر متن کوتاه غیر داستانی را نمی‌توان جستار به‌شمار آورد (Wallack, 2017). جستار به مثابه نوعی تجربهٔ نوشتار مدرن، شاخصه‌ای مهم و مرکزی دارد و آن صداقت در بیان اندیشه است.

جستار صرفاً به ادبیات محدود نمی‌شود؛ بلکه با توجه به موضوعی که به آن می‌پردازد، دسته‌بندی می‌شود.

ازآنجاکه در جستار «من» سخن می‌گوید و این سخن حاصل جستجویی بیرونی است می‌توان آن را «ترکیبی از اول شخص مفرد و سوم شخص جمع معرفی کرد که تجربه نویسنده را در مسیر جست‌وجو و آزمودن پست و بلند مفاهیم مختلف و ابعاد گوناگون رخدادها به ثبت رسانده و با خوانندگان به اشتراک می‌گذارد. همین معنای جست‌وجوگری است که معادل جستار برای واژهٔ essay را انتخابی دقیق و قابل دفاع می‌کند»(والاس، ۱۳۹۹: ۱۰). جستار نوعی تلاش و جستجو برای درک نوشتاری آزاد است که مرزهای از پیش تعیین‌شده را پشت سر می‌گذارد و متناسب با درک نویسندهٔ آن از زبان و جهانِ تجربه و اندیشه، به بیانی نو در فرم و محتوا می‌انجامد.

جستار رابطی بین دنیای زندگی، شعر، هنر، دنیای فکر، فلسفه و عرفان است. اثری از یک نویسندهٔ غیر متخصص برای خواننده‌ای غیر متخصص، اما این گفته بدین معنا نیست که جستارنویس دربارهٔ مطلبی که می‌نویسد تخصص ندارد و تحقیق نکرده است (اسحاق‌پور، ۱۳۹۹: ۳۰)، بلکه «او پیش از ورود، تحقیق و تخصص و علمش را در رختکن می‌گذارد و هدفش بحث‌وجدل نیست. مسائل مهم‌تر و بزرگ‌تری را در نظر دارد که مستقیماً با وجود و جهان و انسان و زمان و خلقت و تاریخ و زندگانی و مرگ و سخن مربوطند، نه به قیل‌وقال و مدرسه»(همان:۳۱). جستار متنی صمیمی و روان است که هر مخاطبی، از هر طبقه اجتماعی و مطالعاتی، می‌تواند به دنیای آن راه یابد و با آن همراه شود. «هرکس که بتواند با دقت به اطراف نگاه کند و آزادانه بیندیشد و به‌وضوح تجربه اندیشمندانه خود را بنویسد، توانایی جستارنویسی را خواهد داشت»(Good:1998). جستارنویس به زبانی که در آن می‌نویسد، آگاه و مسلط است و زبان بخشی از تفکر وجودی اوست. زبان جستار علاوه بر این که سلیس و روان است، متناسب با فرم و محتوای آن است. جستارنویس هنگام نوشتن از ایده‌ای، به تمام امور ضمنی‌ای که در ذهن دارد، رجوع و از تسلط کامل ابژه بر ذهنش پرهیز می‌کند و مناسبتی را بین متن خود و آنچه که قبلاً خلق شده، آشکار و کشف می‌کند. اگر نویسنده‌ای مبنای جستارش را نوشتن دربارهٔ شعر بگذارد، در واقع می‌توان بنا را بر این گذاشت که او چیزی بیش از منتقد از شعر نمی‌داند؛ بلکه در نهایت «جستارنویس مالک ایده‌های خویش است»(Adorno,1984: 157) و خواننده را با اندیشه‌های شخصی‌اش همراه می‌کند، ایده‌هایی که حاصل فرونشست خوانده‌ها و تجربیات او در باب

اندیشیدن به شعر است.

۶- مسألۀ فرم در جستار

هم‌زمان با شکل‌گیری جامعه مدرن، نگاه به فرد و مفهوم فردیّت نیز تغییر کرد، مفهوم سوژه مرکزیّت یافت و تجربۀ زیستۀ انسان مورد اهمیّت و مفهوم‌پردازی قرار گرفت. اگرچه مفهوم سوژه در اصل به فردیت انسان مدرن و اندیشمند اشاره می‌کند که مفهوم فلسفی دکارت را در بطن خود دارد، اما با توجه به پیچیدگی و غنای مدرنیسم و ماهیت پر تناقض آن‌که همزمان پیشرفت و ویرانی را در خود دارد و رویکرد پارادوکسیکال مدرنیست‌ها که در عین حال که به آن نقد دارند، آن را تائید می‌کنند، انسان مدرن را به سوژه‌ای پروبلماتیک تبدیل می‌کند و در عین حال «در چنین زمان‌هایی است که "فرد جرأت می‌کند به خود تفرد ببخشد"»(برمن، ۱۳۹۲: ۲۳). چنین تجربه‌ای از جهان، متعاقباً فرم متناسب با خود را طلب می‌کند تا سوژه دنیای خود را با تکیه بر نگاه فردی، درک و تجربه با دیگری در میان بگذارد. توجه به نثرنویسی و رونق آن، هم‌زمان با روند تجدد شکل می‌گیرد. فرم‌های نوشتاری همچون نامه، خاطره، سفرنامه و جستار قالبی مناسب برای اندیشه‌ورزی و تجربۀ حیات انسان در ساختار سیال و متغیر دنیای مدرن است و شکل باز و پذیرای این فرم‌ها با تجربۀ مدرنیته همخوانی دارد.

تجربۀ ساختارهای جدید، بیش از هر زمان دیگر انسان را با خود و تناقضات موجود در اطرافش مواجه کرد. جستار فرمی برآمده از روزگار مدرن و از بستر تناقضات دنیای جدید است که سعی و جستجوی نویسنده را در رویارویی با ناتمامی مفاهیم نشان می‌دهد. در چنین بستری «امور واقع و ارزش‌ها می‌چرخند و منفجر و تجزیه و دوباره ترکیب می‌شوند»(برمن، ۱۳۹۲: ۱۴۷). فرم جستار که در آن تفکر، عقلانیت و روشنی بر ابهام و استعاره پیشی دارد، نشأت گرفته از خردورزی انسان مدرن است. در جامعۀ مدرن و مناسبت‌های آن، تغییر و دگرگونی در ساحت‌های مختلف، سرعت بیشتری دارد و برخلاف جامعه پیش از مدرن، موقعیت‌های ماندگار جای خود را به نوسازی و تحول می‌دهند؛ مبتنی بودن فرم جستار بر کوتاه‌نویسی نیز دلالت بر همین سرعت تغییر ذهن انسان مدرن در رویارویی با چنین موقعیت‌هایی دارد.

فاصلۀ بین نویسنده و مخاطب در جستار اندک است، نویسندۀ جستار، در جایگاه راوی حقیقی، ابایی از بیان جنبه‌های خودمانی و خصوصی زندگی خویش ندارد؛ ازاین‌رو زندگی و تفکر خود را بدون هر نوع پوستۀ ظاهری و با صراحت کلام در معرض نگاه خواننده قرار می‌دهد و برای نوشتارش، نثری روشن و صریح را برمی‌گزیند. نحوۀ کاربرد زبان در جستار، همچون تجربۀ انسان مدرن از هستی، متناسب با نویسنده و موضوع تغییر می‌کند؛ ازاین‌رو ویژگی

ثابت و منجمدی ندارد، نویسنده حین نوشتن به زبان و نوسازی آن می‌اندیشد و فرمی بداهه را شکل می‌دهد.

۷- طبقه‌بندی جستار

جستار موضوعات مختلفی را دربر می‌گیرد: از نقد ادبی گرفته تا ایده‌ای دربارهٔ عکاسی و فیلم، مانیفست‌های سیاسی، مشاهدات زندگی روزمره، یادآوری‌ها و تأملات در موضوعی خاص.

میشل ریچمن جستار را به دو نوع تقسیم می‌کند: ۱. غیررسمی، شخصی و صمیمی، گفتگومحور که اغلب همراه با مایه‌هایی از طنز است ۲. رسمی، سیستماتیک و توضیحی.

هنگام خواندن جستار طبقه‌بندی ریچمن دچار مشکل و ابهام می‌شود؛ به‌عنوان مثال اصطلاح غیر رسمی بودن می‌تواند به فرم نوشته یا لحن آن اشاره کند یا هر دوی آن را مدنظر داشته باشد. اصطلاح شخصی بودن می‌تواند به موضع جستارنویس، زبان نوشته یا محتوا و هدف متن اشاره کند (Nordquist:2020). باوجود این‌که تقسیم‌بندی ریچمن جزئیات را در بر نمی‌گیرد، اما می‌توان پایه ابتدایی طبقه‌بندی جستار را بر آن گذاشت.

۷-۱- جستار غیرشخصی (رسمی)

در این نوع که موضوعات مختلف را دربر می‌گیرد، گاه نویسنده به موضوعی خاص و کوتاه می‌پردازد و گاه انتخاب یک موضوع، سرآغازی برای بیان ایده‌هایی می‌شود که حول محور سوژه می‌چرخد. جستارنویس ممکن است در نوشتارش به موضوعات گوناگون بپردازد، اما محور اصلی نوشتار را از دست نمی‌دهد و دوباره به موضوع اصلی رجوع می‌کند. در تفکر انتقادی تجزیه‌وتحلیل ابژه و استدلال‌های مطرح‌شده جزء نکات کلیدی محسوب می‌شود، اما هدف جستارنویس متفاوت از منتقد ادبی است.

جستارهای رسمی مابه‌ازایی بیرونی دارند و از دل هیچ یا خلاء خلق نمی‌شوند و از لحاظ موضوع انواع مختلفی دارند؛ ازجمله: جستار استدلالی، جستار ادبی، جستار تاریخی، جستار مذهبی، جستار سیاسی، جستار فلسفی، جستار سینمایی و ... .

۷-۱-۱- جستار آموزشی-پژوهشی

جستار آموزشی-پژوهشی زیرمجموعهٔ جستار رسمی قرار داد و در بسیاری از کشورها در مدارس و دانشگاه‌ها فراگیر است. در این نوع جستار که ساختاری از پیش طراحی شده دارد، کلیّت ساختار و معنی‌دار بودن از بایسته‌ها به‌حساب می‌آید (شیاخ، ۱۳۹۸: ۴۳-۴۴). جستار آموزشی، با جستار تاریخی‌ای که سرچشمهٔ آن در غرب به نوشته‌های

دومونتنی برمی‌گردد، متفاوت است. در واقع جستار آموزشی سعی در ترغیب دانش‌آموز یا دانشجو برای پروراندن ایده‌ای از پیش تعیین‌شده با موضوعی خاص دارد؛ درحالی‌که در جستار عنصر کشف توسط نویسنده، اصلی مهم است.

۷-۱-۲- طبقه‌بندی جستار رسمی به لحاظ رویکرد

۷-۱-۲-۱- جستار توصیفی

این دسته از جستارها از انشای صِرف فاصله می‌گیرند و لایه‌ای افشاگرانه دارند، هرچند سعی بر بی‌طرفی ظاهری داشته باشند. جستارهای توصیفی در شمار جستارهای غیر روایی جای می‌گیرند؛ زیرا جنبهٔ گزارشگری دارند، اگرچه این جستارها دارای انسجام موضوعی هستند، اما لزوماً بین حوادث و رخدادها، رابطهٔ علّی و معلولی وجود ندارد. این نوع با استفاده از زبانی خلّاق به توصیف جزئیات حسی می‌پردازد و موضوعی را وصف می‌کند که برای خواننده ارزشی احساسی دارد، این توصیف می‌تواند وصف یک شخص، مکان یا رویداد باشد. جستار توصیفی، همچون جستار روایی نسبت به زبان رویکردی خلّاقانه دارد، اما فقط در مورد یک موضوع بحث می‌کند؛ درحالی‌که جستار روایی یک داستان کامل را روایت می‌کند (Caulfield, 2020).

۷-۱-۲-۲- جستار انتقادی

جستار انتقادی تحقیق کردن در مورد پدیده‌ای است تا نقش وضعیتی را روشن کند، جنبهٔ حقیقت‌یابانهٔ این دسته از جستارها لزوماً نیاز به روشمند بودن ندارد، اما استدلال نویسنده در این جستار نقشی اصلی دارد.

نویسنده در این رویکرد، متن مبدأ را تحلیل، تفسیر یا ارزیابی می‌کند و ایده یا درون‌مایهٔ نهان در متن را بنابر آگاهی‌اش، با ذکر شواهد بیان می‌کند. اگرچه در گفتگوی معمولی واژهٔ نقد و انتقاد نظر به ذکر نکات منفی متن دارد، اما در جستار، این واژه به معنای تشخیص و تحلیل متن به‌کار می‌رود. جستار انتقادی به‌جای قضاوت دربارهٔ محتوا و کیفیت متن به تحلیل و ارزیابی آن می‌پردازد (Valdes, 2019) و بر تفکر و تحلیل انتقادی تأکید دارد.

۷-۱-۲-۳- جستار فرایندی

روند انجام یک روش یا کار را به خواننده آموزش می‌دهد. جستار فرایندی دستورالعمل نحوهٔ انجام کار و طرز ساختن و تولید محصولی مشخص تا طرز تهیهٔ غذایی خاص را شامل می‌شود (Fleming, 2019)؛ جستارهای خوراک‌نویسی که به آموزش دستورالعمل‌های پخت غذا و خوراکی‌ها می‌پردازند، ذیل جستار فرایندی می‌گنجند.

۷-۱-۲-۴- جستار استدلالی (برهانی)

جستارهای استدلالی در تأیید استدلال یا ردّ دیدگاهی خاص مطرح می‌شوند (شیاخ، ۱۳۹۸: ۷۳). جستارنویس عقاید خود را در ترکیبی از تحقیق و تفحص با ذکر استدلال بیان می‌کند و سعی دارد خواننده را در مورد دیدگاهی خاص متقاعد کند؛ بنابراین لازم است با استفاده از شواهد و استدلال‌هایی محکم از ادعاها و اطلاعات خود دفاع کند.

۷-۱-۲-۵- جستار توضیحی (تبیینی)

نویسنده دیدگاه‌های خود را در مورد یک موضوع، رویداد یا موقعیتی خاص بیان می‌کند که لزوماً همخوان با دیدگاه او نیست. در این نوع از جستار توضیحات بی‌طرفانه و بر اساس شواهد متن و بدون ابهام است.

نویسنده در این جستار موضوعی را توضیح می‌دهد که با آن کاملاً آشناست و انتقال اطلاعات در آن به‌صورت صریح و واضح است. جستارهای توضیحی قالب‌های متفاوتی دارند، اما به‌طور معمول از ساختار زیر تبعیت می‌کنند:

۱-مقدمه

۲- توضیح و تفسیر موضوع با استناد به شواهد

۳-نتیجه‌گیری

در ساختار چنین جستاری نویسنده از بیان احساسات خود دوری می‌کند و بر بیان اطلاعات در متن متمرکز می‌شود.

۷-۱-۲-۶- جستار تحلیلی

نویسنده در جستار تحلیلی موضوعی را جزءبه‌جزء تحلیل می‌کند و اگرچه درصدد متقاعد کردن خواننده نیست، اما متن به‌شیوه‌ای پیش می‌رود که خواننده با تفکر حاضر در آن موافق و همراه می‌شود. در این فرم نیازی به استفاده از کاربرد زبان متقاعدکننده نیست؛ بلکه نویسنده حول موضوع، به‌قدری تجزیه‌وتحلیل انجام می‌دهد تا مطمئن شود استدلال او برای خوانندگان روشن است.

۷-۱-۲-۷- جستار انعکاسی (تأملی)

نویسنده تجربیات شخصی خود را از طریق تفکر بررسی می‌کند و در فرآیند نوشتن، بینشی را که به‌واسطه تجربه

به‌دست آورده، ارائه می‌دهد. خصوصیتی که جستار تأملی را از انواع دیگر جستار متمایز می‌کند بررسی تجربیات گذشته در زمان حال است. جستارهای تأملی خواننده را به سفری در جهت رشد خود می‌برد.

۷-۱-۲-۸- جستار تفسیری

جستار تفسیری قطعه‌ای از یک اثر ادبی (شعر، رمان یا نمایش) است که نویسنده با تمرکز بر عناصر ادبی موجود در متن و با درک و دریافت‌های فردی به تفسیر و تبیین آن می‌پردازد. برش بخشی از اثر و تفسیر آن توسط نویسنده، نیازمند درک جذابیّت‌ها و قطعات مهم متن اصلی است. جستار تفسیری از سه قسمت مقدمه، بدنه و نتیجه‌گیری تشکیل می‌شود، جستارنویس در این سه بخش نقل قول‌هایی از اثر اصلی می‌آورد تا بتواند در تجزیه‌وتحلیلش از آن بهره ببرد؛ همچنین نویسنده با نقل قول و ارجاع به سایر آثار و نظریه‌های ادبی می‌تواند جایگاه ادعای خود را در تجزیه و تفسیر ثابت کند.

۷-۱-۲-۹- جستار تحلیلی ادبی

جستار تحلیلی ادبی بر اساس خواندن دقیق و تجزیه‌وتحلیل یک اثر ادبی مانند شعر و رمان است. این فرم جستار عوامل مختلفی همچون موضوع و درون‌مایه، موقعیت و زمینه، شخصیت‌ها، نوع کاربرد زبان مورداستفاده در متن اصلی را تحلیل می‌کند (Caulfield, 2020). جستار ادبی بر موضوعی خاص استوار است و ارزیابی ذهنی نویسنده در آن مهم‌تر از تجزیه‌وتحلیل وقایع است.

انواع برشمرده قطعاً فهرست دقیق و کاملی از رویکرد به جستار نیست و می‌توان به تقسیم‌بندی فوق افزود یا در نام‌گذاری آن تغییراتی ایجاد کرد.

۷-۲- جستار شخصی

محور اصلی نوشتار در جستار شخصی غالباً شرح احوال و تفکرات فرد دربارهٔ خویشتن است. این نوع «شاخه یا فرمی از ژانر ادبیات ناداستان (ناداستان ادبی یا ناداستان روایی) است که ژانری کم‌وبیش نوپا به‌شمار می‌آید»(مولوی، ۱۳۹۳: ۲۴)، نویسنده در جستار شخصی زاویه‌دید خویش را مبنا قرار می‌دهد و از این رهگذر به هستی و اطراف می‌نگرد.

ساختارهای جامعه در این نوع جستار حضور دارند؛ زیرا متن بازگوکنندهٔ تجربه و حالت‌های فردی‌ست که جامعه او را در برگرفته است. هرچند اثر هنری تلاش می‌کند تا در ساختارهای جامعه ادغام نشود و در برابر این ساختارها

مقاومت می‌کند.

ازآنجاکه هر جستار شخصی پدیده‌ای نو و تجربی با هویتّی مستقل است، لذا فرم در این دسته از جستارها می‌تواند تجربه‌ای در بی‌نهایت باشد. دو تجربهٔ اساسی هنر مدرن یعنی شکل بخشیدن، (فرم‌ساختن) و در همان حال شکستن فرم پایهٔ آثار هنری نوآورانه هستند (فرهادپور، ۱۳۸۶: ۱۵۱)؛ برای مثال فردی همچون نیمایوشیج از یک سو خالق فرم است و از سویی دیگر فرمِ پیشین و تثبیت‌شدهٔ شعر را می‌شکند و از این طریق فرمی نو باز می‌آفریند که از دل تاریخ ادبیات تغذیه شده و ققنوس‌وار به مادیّتی نو دست یافته است.

جستار شخصی دو وجه دارد: «یک وجه اندیشه و تحلیل و تفسیر نویسنده است و وجه دیگر دیدگاه شخصی، عینیت پیرامونی و تجرید فراگیر است»(مولوی، ۱۳۹۳: ۲۷). دستیابی به چنین فرمی از نوشتار مستلزم خواندن و آموختن بسیار است که بر پایهٔ تجربه‌اندوزی نویسنده از متن، هستی پیرامون و بشریّت و آگاهی شکل می‌گیرد. عنصر زبان و پیشینهٔ نوشتن و خواندن برای رسیدن به فرمی متعالی در جستار شخصی حائز اهمیت است.

۷-۲-۱- طبقه‌بندی جستار شخصی به لحاظ رویکرد

۷-۲-۱-۱- جستار زندگی‌نامه‌ای

از بارزترین شاخصه‌های جستار در ادبیات که نشان از تجدد ادبی دارد، پذیرش انسان با فردیّت و هویّت مستقل است که متعاقباً نوشتار او بافت و ساخت زیبایی‌شناسانهٔ منحصر به خود را می‌طلبد. هرچند در جستار زندگی‌نامه‌ای، گفتمان دوره و فضای سیاسی و اجتماعی شخص نویسنده تأثیری مستقیم بر نوشتار او دارد، اما مستلزم نوعی بی‌پرده‌گویی و صداقت در نوشتار است.

جستار زندگی‌نامه‌ای داستان زندگی شخصی است که نویسنده فرصت شناخت او را برای خواننده مهیّا کرده است، این شخص می‌تواند خود نویسنده یا شخصیتی تاریخی، بازیگر مشهور، سیاستمدار، هنرمند، نویسنده یا مخترع باشد. هدف جستار زندگی‌نامه‌ای این است که به خواننده نشان دهد، شخص مورد نظر چه کسی بوده و چه تأثیری در جهان هستی از خود به‌جا گذاشته است، البته در صورتی که خود نویسنده موضوع روایت این جستار نباشد.

۷-۲-۱-۲- جستار نامه‌نگارانه

این دسته از جستارها تکیه بر موضوعی خاص دارند و برخلاف نامه، موضوعات آن بسیط نیست؛ نوشته‌ای که لزوماً قرار نیست به دست مخاطبی خاص برسد و در انتظار پاسخی باشد، اگرچه این نامه خطاب به شخصی خاص نوشته می‌شود، اما خاصیت تعمیم‌یابندگی دارد و در جستجوی مخاطبی برای خواندن و دیده شدن است، تا اندیشهٔ نویسنده

را از پناه بردن به این قالب دریابد.

۷-۲-۱-۳- جستار روایی

جستار روایی، روایتی را نقل و داستانی را کامل می‌کند. راوی به رخداد یا مجموعه‌ای از رخدادها توجه دارد که بین آنها روابط علّی و معلولی وجود دارد. ازآنجاکه همه جستارها روایت‌مند نیستند، شاخصه مهم جستار روایی آن است که در ساختارش داستانی را بیان کند؛ بنابراین جستار روایی از ترکیب متن، داستان و روایت به‌وجود می‌آید و نزدیک‌ترین ژانر به داستان است. جستار روایی سبکی دلنشین، ساختاری ظاهراً ولنگار، لحنی شبیه زبان شفاهی و گاهی چاشنی طنز ظریفی دارد و با استفاده از داستان یا ساختار داستانی، روایت نویسنده را از مبحثی که کمتر به آن پرداخته شده، یا با رویکرد و زبان جدیدی عرضه شده، ارائه می‌دهد (اسمیت، ۱۳۹۸: ۱۰). روایی بودن جستار بدین معناست که خواننده با ناداستانی واقعی روبرو است که بر رویدادی از زندگی نویسنده دلالت دارد، این رویداد می‌تواند سرگذشت یا زندگی‌نامهٔ خودنوشتی باشد که از قضاوت‌های شخصی و مطلق‌نگر در باب واقعیت دوری می‌کند. به‌کاربردن توصیفاتِ مبنی بر مطلق‌گرایی یا نگاه و اندیشه ایدئولوژیک و تک‌ساحتی به موضوعی خاص را می‌توان در زمرهٔ نقاط ضعف این نوع جستار دانست.

۸- نسبت جستار شخصی با گونه‌های مشابه آن

بین جستار شخصی و هم‌خانواده‌های آن کنشی مشترک وجود دارد و آن «کنش کلامیِ صحبت کردن دربارهٔ خود»(زرقانی، قربان صباغ، ۱۳۹۵: ۲۹۸) یا از منظر نگاه و باور خود به خویشتن و هستی نگریستن است. تفاوت جستار با گونه‌های نوشتاری‌ای که در این کنش با هم مشترک‌اند، مثلاً شعر در فرم غزل عاشقانه، در آن است که شعر متناسب با سبک دوره، از صورت‌ها و مفاهیم پیش از خود تغذیه می‌کند، اما در آثار جستارنویسان، صورت و فرم خلاقانه، اصل سرنوشت‌ساز و بنیادین اثر و بر سرشت متن تأکید دارد و چیزهای غیرسرشتی را حذف می‌کند»(لوکاچ، ۱۳۸۸: ۱۹). آنچه در جستار منجر به سرنوشتِ اثر می‌شود چیزی منفک از کلیّت متن و بیان جنبه‌های فردی و تجربیّات هستی‌شناسانهٔ نویسنده نیست.

۸-۱- وجوه مشترک جستار با زندگی‌نامه، یادداشت، خاطره، حدیث نفس، وقایع‌نگاری و تک‌نگاری

در فرم خاطره، یادداشت، جستار شخصی، حدیث نفس و زندگی‌نامه سیّالیتی وجود دارد که نشأت گرفته از وجود و هستیِ فرد است، نگاه و جهان‌بینی فردی که با تأمل در هستی و خویشتنِ خویش ایده‌ای نو را می‌پروراند.

این گونه‌ها تابع فرم و ساختار قالبی و از پیش‌تعیین‌شده‌ای نیستند. هرچند هر نوشتاری خواه‌ناخواه در ساختار و طبقه‌ای جای می‌گیرد، اما این قضیه امری پسینی و برای درک ابعاد مختلف یک متن صورت می‌گیرد.

در خاطره، یادداشت، جستار شخصی، حدیث نفس، اغلب از زاویه‌دید اول شخص استفاده می‌شود و راوی و سوژه در آن یکسان هستند.

۸-۲- تفاوت جستار و زندگی‌نامه

کشش زندگی‌نامه برای همه خوانندگان در یک سطح نیست و هر فردی به خواندن زندگی همهٔ اشخاص علاقه ندارد، مگر این که برای او شخصیتی حائز اهمیّت و قابل توجه باشد؛ اما جستار می‌تواند قشر وسیعی از خوانندگان را دربر بگیرد. «جستارنویس با پرهیز از خشکی و کسالت و پیچیدگی یا نامأنوسی زبان، رو به بی‌کرانگی و تازگی و گوش‌آشنایی زبان همگان دارد.»(مولوی، ۱۳۹۳: ۲۹).

رابطهٔ بین نویسنده و خواننده در جستار، رابطه‌ای دوسویه است و فاصله‌ای با یکدیگر ندارند، اما در زندگی‌نامه گاه نویسنده در موضعی قرار دارد که بین او و خواننده نوعی انفصال و جدایی شکل می‌گیرد؛ خواننده با فاصله‌ای دورتر از متن، صرفاً مخاطب اثری است که آن را می‌خواند. «جستارنویس نویسنده‌ای است که می‌خواهد به‌جای گفتن چیزی به خواننده، چیزی را با او سهیم شود. او خواننده را در گفت‌وگوی درونی خود، در گفت‌وگوی با خود شریک می‌کند»(همان:۲۹)، لذا هر آنچه در درون دارد، به متن احضار می‌کند و ابایی از بیان نقص‌ها و ترس و هراسی از فاش کردن خود برای خواننده ندارد. جستارنویس به‌نوعی تجربه‌اش را بازگو می‌کند که گویی بخشی از وجود خواننده است و خواننده در تجربهٔ او از جهان و خویشتن، سهیم است.

۸-۳- تفاوت جستار و خاطرات روزانه

نویسندهٔ خاطرات روزانه به ثبت آنی رویداد، بدون هیچ تغییری می‌پردازد و این امکان وجود دارد که تا مدت‌ها و سال‌ها به‌سمت نوشتارش نرود، و بعد از گذر مدتی و عمری برای بازسازی گذشته لابلای صفحات خاطراتش دنبال زنده کردن موقعیت و تجربه‌ای از گذشته بگردد، اما جستارنویس برخلاف خاطره‌نویس معمولاً تجربه‌اش را از گذشته در ترکیب با موقعیت کنونی بازسازی می‌کند.

۹- نسبت جستار رسمی با گونه‌های مشابه

۹-۱- تفاوت جستار و مقاله

دیوید فاستر والاس، تفاوت بین جستار و مقاله را این‌گونه تعریف می‌کند:

> «جستار یا essay مانند مقاله یا article متنی غیرداستانی است، اما به‌جای آن‌که مثل مقاله اطلاعاتی درباره یک موضوع خاص به خواننده منتقل کند، دیدگاه شخصی نویسنده را درباره یک موضوع خاص منتقل می‌کند. جستارنویس براساس تجربه زیسته خود، نگاه ویژه‌ای به مفهوم یا رخداد مورد نظرش پیدا کرده، به یک روایت فردی رسیده و با نوشته‌ای صمیمی و صادقانه می‌خواهد موضوع و تحلیل خودش را شرح دهد. به همین دلیل خواندن جستار، ما را با طرز فکر و منش نویسنده آشنا می‌کند. بی‌تردید مقاله‌نویس‌ها هم دیدگاه شخصی درباره موضوع مقاله‌شان دارند و گاهی آن را با خوانندگانشان در میان می‌گذارند اما نتیجه‌گیری نوشته‌شان را با استناد به دلایل و شواهد موجود در مقاله سروسامان می‌دهند نه مبتنی بر تجربه، برداشت و روایت شخصی خودشان» (۱۳۹۶: ۱۰).

تفاوت دیگر مربوط به ساختار است. ساختار مقاله در هر موقعیتی (روزنامه، مجله علمی-پژوهشی، مجلات ادبی و هنری و...) مشخص و حتی حدود آن و تعداد واژه‌ها و صفحات نیز تابع کلیشه‌ای از پیش تعیین شده است. رساله نیز از لحاظ ساختاری نسبت به مقاله و جستار گسترهٔ وسیع‌تری را دربر می‌گیرد. نویسنده در مقاله و رساله برای اثبات فرضیهٔ خویش و برای پاسخ دادن به پرسش‌های درون‌متنی، از منابع و آثار دیگر بهره می‌برد و اتفاقاً بهره‌گیری از آرای دیگران، به قوت و غنای متنش می‌افزاید؛ در صورتی که جستار نوشته‌ای نسبتاً کوتاه است که اگرچه امکان دارد از منابع دیگر بهره ببرد، اما اساس و مایهٔ آن بر پایهٔ استدلال شخصی نویسنده بنا می‌شود و در آن نحوهٔ بیان عقاید و استدلال نویسنده بیش از خود عقیده اهمیت دارد.

تفاوت دیگر در هدف بلاغی این دو نوع است، «هدف بلاغی مقاله عموماً اطلاع‌رسانی یا ترغیب مخاطب در موضوعی مشخص است که تأثیرگذاری ادبی در آن ثانویه است یا وجود ندارد»(Holman,2003:193). مقاله‌نویس برای نوشتارش زبانی را برمی‌گزیند که از زبان ادبی دور است و به زبانی صریح و علمی مطلب خود را می‌نویسد، حتی اگر مقاله او با موضوع ادبیات و شعر باشد، اما در جستار نحوهٔ کاربرد زبان و لحن، متناسب با موضوع و فرمی که نویسنده آن را برمی‌گزیند، آزاد است.

۹-۲- تفاوت جستار و نقد

تمایز بین جستار و نقد در این است که در جستار وظیفه نویسنده اصالت زبان و نوشتاری متعهد به ذهن و اندیشهٔ خویش است. برخلاف نقد، علائق و کشش‌های فکری، او را به نوشتن دربارهٔ موضوعی وامی‌دارد تا ایده‌هایش را دربارهٔ آن بیان کند، موضوعی که بتواند از سر فراغ خاطر و از منظرهای گوناگون به آن بنگرد، در آیین نقدنویسی نویسنده

متن را به محک سنجش در می‌آورد و به سره و ناسره بودن آن توجه دارد و امکان دارد اثری را نقد کند که با آن همراه و هم‌سو نیست؛ درحالی‌که جستارنویس فقط به موضوعی می‌پردازد که انتخاب و نوشتن از آن برای او خوشایند بوده و ایده‌ای را پایه نوشتار می‌گذارد که او را تحت تأثیر قرار داده است؛ اندیشه‌ای که فضایی برای زیستن و لذت بردن فراهم آورده است و اغلب مواقع نوشتار خود را در وضعیت انتقادی منفی قرار نمی‌دهد؛ بلکه چیزی را می‌نویسد که از آن بهره فکری برده است.

تفاوت دیگر در آزادی نویسنده هنگام مواجهه با اثر است. هر اثر ویژگی‌هایی دارد که نحوهٔ رویکرد منتقد را تعیین می‌کند، نقد، متعهد به روشی است که اثر پیش روی منتقد می‌گذارد، اما در جستار نویسنده از قید تعهد به متن آزاد است و عواطف و احساسات خود را هم دخیل کند.

وقتی «تینیانوف تصریح می‌کند ارائهٔ تعریف ثابت برای پدیده‌هایی امکان‌پذیر است که ویژگی ذاتی ثابت داشته باشند اما در مورد مفاهیمی مثل ادبیات و ژانر، که هم خودشان و هم تعریفشان پیوسته در حال تغییر است، ارائه تعریف ازلی-ابدی امکان‌پذیر نیست»(زرقانی و قربان صباغ، ۱۳۹۵: ۲۸۸) بدیهی است که ژانر جستار به دلیل ماهیت متنوع آن، بیش از پیش تعریف‌ناپذیر می‌شود؛ اما به‌رغم ذهنیتی شهودی نسبت به جستار، برای تعریف و تصویری نسبی از آن، به ناگزیر برخی از ویژگی‌های غالب و مشترک انواع جستار را بیان می‌کنیم.

۱۰- ویژگی‌های کلی جستار

۱۰-۱- نثر بودگی

شکل‌گیری و رشد فرم‌ها و قالب‌های نوشتاری، بازتابی از جامعه و تحولات آن است. در دوران مدرن، قالب نثر، به قالب نظم و شعر تفوق می‌یابد، نثر در مقایسه با این قالب‌ها، قالبی آزادتر برای بیان ایده‌ها و تفکرات انسان مدرن در مواجهه با فرم‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دنیای جدید است و «بر خلاف شعر متوجه غایتی بیرون از خود است»(کامشاد، ۱۳۸۳: ۸). گره خوردن پیوندهای انسان با دنیای نوین و مواجهه او با تناقضات این دنیا، منجر به شکل‌گیری فرم‌های جدید می‌شود، ازجملهٔ این فرم‌ها جستار است که قالب متناسب با آن نثر است؛ به این دلیل که شعر و قواعد حاکم بر آن توانایی هم‌سو شدن با اندیشه‌ها و تحولات دوران نوین را ندارد.

۱۰-۲- ادبیت ساده

تودوروف معتقد است که «یک ژانر تازه، برآیند دگردیسی یک یا چند ژانر قدیمی است که پس از سپری کردن تغییراتی

به‌وجود می‌آید. بدین ترتیب متن معاصر، مدیون شعر و رمان قرن نوزدهم است. ادبیات هیچ گاه از ژانرها خالی نیست؛ چه، ژانرها نظامی را تشکیل می‌دهند که پیوسته در حال دگردیسی است»(زرقانی و قربان صباغ، ۱۳۹۵: ۲۹۹). به گفته او تنها برخی از کنش‌های کلامی به ژانر ادبی تبدیل می‌شود و این تبدیل نیز در همه ژانرهای پسینی یکسان نیست؛ گاه این تغییرات ساده و ابتدایی و گاه پیچیده و چندلایه است. به نظر می‌رسد ژانر جستار نیز بسته به موضوع آن و نسبت آن با گونه‌های خویشاوند از درجه ادبیت متغیری برخوردار است؛ برخی از جستارها به‌دلیل نزدیکی با ژانر زندگی‌نامه و سفرنامه، و استفاده از زبان روایی، و برخی دیگر، با استفاده از بلاغتی ساده و خودکارشده، به کنشی ادبی تبدیل می‌شوند. این ادبیت، اغلب در جایی بین صورت اولیه (کنش کلامی) و صورت پیچیده یا ثانویه قرار می‌گیرد.

۱۰-۳- خودنگاری

جستار فرمی همزاد انسان‌گرایی است که تکیه بر تجربیات شخصی، جهان‌بینی فرد، تجارب مطالعاتی و فکر و اندیشه او دارد. در خودنگاری، سوژه دنیای شخصی خود و نگاه ویژه‌اش به پیرامون و پدیده‌ها را برای خواننده بازنمایی می‌کند.

جستار بر اندیشه‌ورزی‌های شخصی نویسنده استوار و حامل سبک شخصی و لحن اوست؛ به‌همین‌جهت گسترهٔ وسیعی از سبک‌ها و درون‌مایه‌ها را دربر می‌گیرد که منجر به تنوع و گوناگونی زبان در این گونه می‌شود. در جستار حضور پررنگ «من» آشکار است و خبری از نتیجه‌گیری‌های قطعی نویسنده نیست و در هرچه نویسنده از آن می‌گوید، نشانی از افکار، احساسات، علائق و آگاهی او وجود دارد.

۱۰-۴- چارچوب انعطاف‌پذیر (سیالیت صورت ثانویه)

جستار، در جایگاه فرمی سیال، ماهیتی لغزان دارد و تابع فرم‌های از پیش تعیین شده قرار نمی‌گیرد. اصول و قواعد حاکم بر جستار متناسب با هر متن، تغییرپذیر است؛ ازاین‌رو فرمی قابل انعطاف است که در مرز بین هنر، علم و فلسفه گام می‌زند. «در جستار، سبک و ساختار به‌اندازهٔ مفهوم و محتوی اهمیت دارد اما چارچوب انعطاف‌پذیر آن آزادی بیشتری به نویسنده می‌دهد تا خود را زندانیِ حصاری تنگ نبیند»(کسمایی، ۱۳۹۹). اگرچه جستار چارچوبی منعطف و تعمیم‌پذیر دارد، اما با پریشان‌گویی فاصله دارد؛ در هر جستار، به فراخور محتوای آن، فرمی متناسب با موضوع و ایدهٔ نویسنده شکل می‌گیرد؛ از همین‌رو با ژانرهای تثبیت‌شده ادبی متفاوت است؛ در عین حال که با اغلب آن‌ها خویشی دارد، به‌دلیل تنوع و پویایی آن، از آن‌ها دور می‌شود.

۱۰-۵- خاصیت تعمیم‌یابندگی

جستار در عین حال که بر "من" جستارنویس متکی است اما آنجا که از "من" نویسنده فراتر می‌رود و به "انسان" می‌رسد،

خاصیت تعمیم‌یابندگی یا به تعبیر دیگر نمادشوندگی دارد. این همان ویژگی است که در من غیر شخصی شعرهای فرازمان و فرامکان نیز یافت می‌شود. این "من"، همانا "دیگربوده‌ای" است که نمادی از انسانی آگاه و متأمل است. روند طي‌شده در سیر تکامل دیگربودگي، روندي از نشانه عام، به نشانه عام اختصاصي و سرانجام نشانه اختصاصي است؛ روندي که کنشگرِ "من" تا تبدیل شدن به تیپ و پس از آن شخصیت طي کرده است. در اینجا "من" و به‌طور کلي "انسان" خود، به"سوژه" تبدیل شده است. "من" دیگر راوي نیست، بلکه سوژه‌اي است که روایت مي‌شود. انساني که هویت خود و دیگران را تعیین مي‌کند، در جهاني زندگي مي‌کند که سارتر آن را جهان "بین‌الاذهاني" مي‌خواند. متن، پل ارتباطی بین فردیت سوژه و خودسوژه‌پنداری مخاطب است. از همین‌رو بیش از آن که بر من متکی باشد واگویانه است و به مخاطب نیاز دارد؛ مخاطبی که جهان روایت‌شده جستارنویس را می‌فهمد و با او به همدلی می‌رسد.

۱۰-۶- خودآیینی

خصلت آزاد جستار آن را از قرار گرفتن در قالبی خاص و تجربه‌شده دور می‌کند. آدورنو، جستار را در جایگاه نوعی نوشتار خودآیین و مستقل به‌شمار می‌آورد که «از پذیرش هرگونه نقش از پیش تعیین‌شده و ضرورت ایفای عملکردی اجتماعی رهایی‌یافته و پیرو قوانین خاص خود است، قوانینی که در تعارض با جامعهٔ مبادله‌ای قرار می‌گیرد»(شاهنده و نوذری، ۱۳۹۹: ۴۴) و در عین حال پیش‌شرط آن تحولات بنیادین در جامعه است.

۱۰-۷- رویکرد متأملانه

جستار با رسالتِ بیان ایده‌ها در فرمی جدید، در ملتقای ادبیات و فلسفه اتفاق می‌افتد؛ این درهم‌آمیختگی ادبیات و فلسفه، از دریچهٔ نگاه سوژه، به‌عنوان فاعل شناسا و در عصر شکل‌گیری اندیشه‌های اومانیستی، روی می‌دهد. «زبان جستار ابزاری حامل برای انتقال معانی با کشفیاتی بیرون زبان نیست، بلکه اتفاق است، حادثه‌ای است در زبان و فکر: تفکر با نوشتن، یا در حین نوشتن»(مونتنی، ۱۳۹۵: ۹)، اگرچه جستار در مرز فلسفه و ادبیات شکل می‌گیرد، اما «تفسیرهای جستارنویس از موضوع مورد بحث، تفسیرهایی سخت و فلسفی نیست؛ بلکه در ظاهرِ امر زبانی سرراست و راحت دارد، هرچند اندیشه‌هایی عمیق را در خود بپروراند»(آدورنو، ۱۹۸۴: ۱۵۲). جستار فلسفیدن نویسنده در باب چیزهایی است که شاید در ابتدای امر بدیهی به نظر می‌رسند، اما منظر و نگاه نویسنده آن را تبدیل به امری نو می‌کند.

جستار مبتنی بر احساسات و تأملات نویسنده، حول خویش، ایده و موضوع است. جستار تغییر در شیوهٔ نگرش انسان به خود، هستی و چیزهاست، این تغییر نگرش جستار را در جایگاه نوشتاری مدرن قرار داده است. «تأمل در

چیزها، یادآوری، تجربه درونی و نفسانی چیزها در رابطه با حالات روح و روایت آن در خود»(مسکوب، ۱۳۷۹: ۲۰۴) که مبتنی بر بداهه است. هرچند نویسنده حول موضوعی سال‌ها تفحص کرده باشد، اما در نهایت، نوشتارش ته‌نشست آگاهی و درنگ‌های فکری اوست که اصول قالبی بر آن غلبه ندارد.

نتیجه‌گیری

یکی از گیج‌کننده‌ترین مفاهیم در ساحت ادبیات چیستی ژانر و فرم است؛ در تعاریف مربوط به ژانر و فرم اتفاق نظری قطعی وجود ندارد؛ در این میان ماهیت سیال جستار نیز مانع تعریف و دسته‌بندی مستقل آن بوده است و عموماً با عنوان‌هایی همچون سفرنامه، زندگی‌نامه، تک‌نگاری، نقد، یادداشت، خاطره‌نویسی و رساله نام‌گذاری شده است.

جستار در جایگاه فرم، به مثابه یک ظرف کلی محتوایی است که انواعی همچون جستار روایی، جستار وصفی، جستار تشریحی و... را شامل می‌شود. اگر جستار را به مثابه فرمی هنری در نظر بگیریم که هنرهای دیگر ازجمله سینما را هم دربرمی‌گیرد، این فرم در هر جایگاهی می‌تواند زیر مجموعهٔ آثار کلان‌تری قرار بگیرد.

جستار را می‌توان فرمی از روایت ناداستان به‌شمار آورد. در این پژوهش با توجه به اقتضائات درون‌متنی و برون‌متنی جستار و رشد آن در دهه‌های اخیر، از آن در جایگاه ژانر یاد شده که از دل کلان‌ژانر روایت ناداستان رشد یافته و تبدیل به ژانری مستقل شده است.

با هر نگرشی که سراغ جستار برویم، طبقه‌بندی آن صرفاً ابزاری برای نظم دادن به پژوهش، درک و تفسیر جستار است و تلاشی برای مخدوش کردن آزادی و استقلال این فرم رهایی‌بخش نیست؛ ژانری گشوده و دموکراتیک که آفرینشگران بیشتری را با جهان ادبیات پیوند می‌دهد؛ آن‌ها که شاعر و داستان‌نویس نیستند، اما آثاری متأملانه و خویشاوند ادبیات خلق می‌کنند. به‌رغم تنوع و شناوری جستار، این پژوهش پس از مطالعه و تدقیق در مفاهیم و تعاریف جستار و توجه به نثر در جایگاه قالبی متناسب با دنیای مدرن، ارتباط بین زبان و فرم جستار و خردورزی دنیای مدرن را بررسی و نسبت جستار را با انواع مشابه آن تبیین کرده است. ویژگی‌های جستار ازجمله، نثربودگی، خودنگاری، انعطاف‌پذیری، تعمیم‌یابندگی، خودآیینی، ادبیت ساده، اندیشه‌ورزی و متأملانه بودن آن، نسبتش را با دیگر گونه‌ها مشخص می‌کند؛ ژانری که سرشتی بیناژانری دارد.

کتابنامه

آشوری، داریوش. (۱۳۷۴). فرهنگ علوم انسانی. تهران: مرکز.

اسحاق‌پور، یوسف. (۱۳۹۹). سرگذشت فکری شاهرخ مسکوب. تهران: فرهنگ جاوید.

اسمیت، زیدی. (۱۳۹۸). ماجرا فقط این نبود: شش جستار دربارهٔ زندگی در کنار ادبیات و هنر. معین لطفی و احسان فرخی. تهران: اطراف.

برمن، مارشال. (۱۳۹۲). تجربه مدرنیته. مراد فرهادپور. تهران: طرح نو.

دومونتنی، میشل. (۱۳۹۵). مقدمه‌ای در باب دوستی و دو جستار دیگر. لاله قدکپور. تهران: گمان.

زرقانی، قربان صباغ، سید مهدی، محمودرضا. (۱۳۹۵). نظریه ژانر نوع ادبی، رویکرد تحلیلی ـ تاریخی. تهران: هرمس.

شاهنده، نوذری، نوشین، حسینعلی. (۱۳۹۲). «هنر» و «حقیقت» در نظریهٔ زیبایی‌شناختی آدورنو. حکمت و فلسفه. سال نهم. شماره ۳. ۶۰-۳۵.

شیاخ، دان. (۱۳۹۸). چگونه جستار بنویسیم. سلما رضوان‌جو. تهران: آن‌سو.

فرهادپور، مراد. (۱۳۸۶). بادهای غربی. تهران: هرمس.

قائد، محمد. (۱۳۸۸). دفترچه خاطرات و فراموشی. تهران: طرح نو.

قائمی، مریم؛ سجودی، فرزان. (۱۳۹۷). (سوژه زندگینامه خودنوشت از منظر پست‌مدرنیسم)، نقد و نظریه ادبی. دوره۳. شماره ۱، ۹۵-۱۱۹.

کسمایی، سرور. (۱۳۹۹). «نقش فرم در آفرینش ادبی شاهرخ مسکوب»، آسو.

https://www.aasoo.org/fa/articles/2752.

لوکاچ، جورج. (۱۳۸۸). جان و صورت. رضا رضایی. تهران: ماهی.

مرادی، محمدعلی. (۱۳۹۷). تفکر در تنگنا (جستارهایی در علوم فرهنگی)، به کوشش رضا نساجی. تهران: نقد فرهنگ.

مولوی، فرشته. (۱۳۹۳). از نوشتن. تهران: آگاه

والاس، دیوید فاستر. (۱۳۹۹). این هم مثالی دیگر. معین فرخی. تهران: اطراف.

Adorno, Theodor. (1984). T*he Essay as form*, shierrry weber nicholsen, New York: Colombia university press.

Fleming, Grace. (2019). *https://www.thoughtco.com/how-to-essay-writing-about-process-1856995*.

Good,Graham. (1998). The Observing Self Rediscovering the Essay, London: Routledge.

Holman, William. (2003). *Handbook to Literature*. America: Prentice hall.

Caulfield, Jack. (2020).”Different Types of essays In Academic Writing ”, https://www.myperfectwords.com/blog/essay-writing-guide/types-of-essay.

Valdes, Olivia. (2019). *”How to Write a Critical Essay”* .*https://www.thoughtco.com/what-is-*

critical-essay-1689943.

Nicole, B.Wallack. (2017). " why is it so difficult to define the essay". https://lithub.com/why-is-it-so-difficult-to-define-the-essay.

Nordquist, Richard. (2020). "The Essay: History and Definition." ThoughtCo, Feb. 11, 2020, thoughtco.com/what-is-an-essay-p3-1691774.